

## ارزش معرفتی ظن بر پایه‌ی تصویرسازی فخر رازی (از اعتبار معرفت‌شناختی ظن تا کارکردهای آن در خداشناسی و دواعی فعل)

هاشم قربانی \* فرشته ابوالحسنی نیارکی \*\*

### چکیده

در این جستار تصویرسازی فخر رازی از ظن و اعتبار معرفتی آن بررسی می‌شود. معناشناسی ظن در اندیشه‌ی رازی نشان از کاربردهای معنایی متفاوت آن دارد. در این مقاله تلاش می‌شود به مهم‌ترین وجوه اعتبارسنجی ظن در معرفت‌شناسی رازی پرداخته شود. از میان وجوه شش‌گانه‌ی اعتبار ظن که در این جستار شناسایی و صورت‌بندی شده است، دو تصویر واقع‌نمایی ظنون و نیز وجه تکثری ظنون در ایجاد یقین، اهمیت دارد. حیثیت واقع‌نمایی مهم‌ترین وجه اعتباربخشی یقین و ادراکات حقیقی است که بر انکشاف مطابقی استوار است. اما آیا ظن نیز این وجه اعتبارسنجی را دارد و به‌طور کلی، در این واقع‌نمایی چه جایگاهی دارد؟ رازی شناخت‌های ظنی را در فرایندی از معرفت‌زایی قرار می‌دهد که در این فرایند، تکثر انگاره‌داشت‌ها، زمینه‌ساز ایجاد/تولید یقین در انسان (استنتاج یقین از ظن در وجه تکثری) است. ظن در وجه تکثری، آن هنگام واقعیت را بازنمایی می‌کند که در فرایند ایجاد یقین قرار گیرد و میان انگاره‌داشت‌های ادعایی، با محکی واقعی که فرآورده‌ی فرایند از آن حکایت می‌کند، ارتباط وجود داشته باشد. به‌همین سبب، رازی در توصیف این ارتباط، از واژه‌ی افاده یا زمینه‌ساز، در برابر دستیابی که در برخی ادراکات حقیقی است، استفاده می‌کند و خود، مصحح و منشأ واقع‌نمایی و اعتبار معرفتی انگاره‌داشت است. از این‌رو، رازی در تفکری فرایندی و سیستمی، ظن را تحلیل می‌کند و آن را بریده از دیگر باورداشت‌های انسان لحاظ نمی‌کند. رازی نمونه‌ی کاربرست معرفتی ظن در فرایند یقین‌آوری را در دلایل پذیرش وجود خداوند و دواعی فعل طراحی می‌کند.

**واژگان کلیدی:** ۱. فخر رازی، ۲. ظن، ۳. اعتبار، ۴. واقع‌نمایی، ۵. وجه تکثری.

\* استادیار گروه معارف اسلامی دانشگاه بین‌المللی امام خمینی(ره) قزوین qorbani@ISR.ikiu.ac.ir

\*\* استادیار گروه فلسفه و کلام اسلامی دانشگاه مازندران f.abolhassani@umz.ac.ir

تاریخ پذیرش: ۹۷/۹/۱۷

تاریخ دریافت: ۹۷/۶/۵

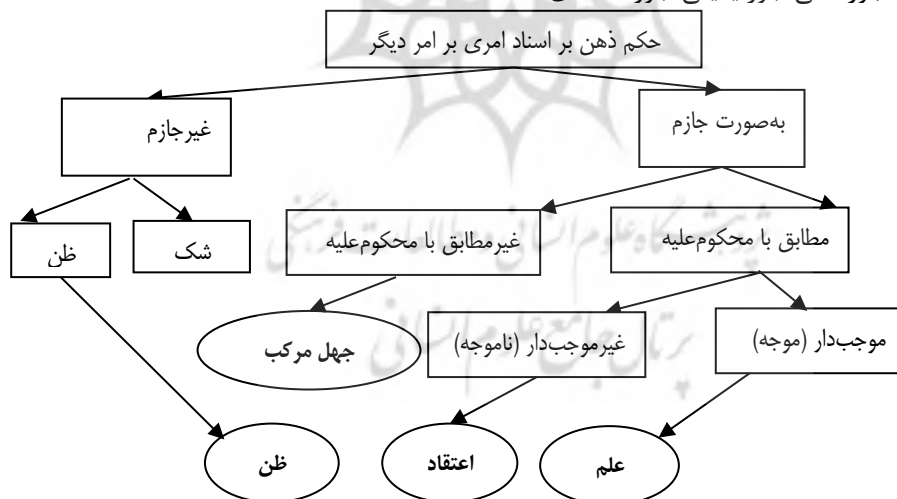
## ۱. طرح مسئله

حالات ادراکی انسان بنابر شاخصه‌ها و مؤلفه‌های روشی، ساختاری و محتوایی، متفاوت است. ارزش معرفتی و کارکردی حالات مختلف ادراک و آگاهی یکسان نیست. ۱. تلاش فکری انسان ازسویی و ۲. گونه‌شناسی خاص پدیده‌ی در دست کاوش، ازدگرسوی، موجب تفاوت در سطح آگاهی‌ها و نوع مواجهه‌های معرفت‌شناختی انسان می‌شود. گاه انسان باتوجه‌به این دوگانه‌ی تلاش و فعالیت فکری و نیز گونه‌ی خاص در دست مطالعه، به امری یقین می‌یابد. این حالت اگر استوار بر شاخصه‌های خاصی باشد، از آن به یقین منطقی تعبیر می‌شود. بر پایه‌ی معرفت‌شناسی اندیشمندان مسلمان، باور صادق موجه، سامان‌دهنده‌ی معرفت یقینی انسان است.<sup>۱</sup> یقین مهم‌ترین داده‌ی معرفتی در سامانه‌ی اندیشه‌ی انسان قلمداد می‌شود، اما بهره‌گیری از دوگانه‌ی یادشده در ساحت یقین، نشان‌دهنده‌ی محدودیت ویژه‌ی معرفت‌شناختی در سطح آگاهی‌ها و کارکردگرایی در سطح عملکردهاست. معنای این جمله آن است که حیطة‌ی آگاهی‌های انسانی که شاخصه‌های دشوار یقین را داشته باشد، محدوده‌ی خاصی است و یقین، به‌صورتی عام و فراگیر در همه‌ی گونه‌های اندیشه حضور ندارد و امکان دستیابی بدان در همه‌ی آگاهی‌ها و همراه‌کردن آگاهی با یقین منطقی، دشوار است؛ هرچند که قداست و ارزشمندی ویژه‌ای دارد. همچنین در ساحت رفتار، بسیاری از رفتارهای آدمیان، به دنبال صرف تحقق یقین منطقی انجام نمی‌شود. عوامل و مؤثرات مختلفی در حوزه‌ی رفتار تأثیرگذارند. ازدیگرسوی، تحلیل‌های فکری انسان در باب مسئله‌ای خاص و نیز گونه‌شناسی پدیدارهای مختلف، گاه محصولی غیر از یقین دارد، اعم از یقین روان‌شناختی که متعلق به فاعل شناساست و یقین منطقی که بر پایه‌ی تعامل موضوع شناسا و فاعل شناسا طراحی می‌شود. باتوجه‌به همین دشواری معرفتی و کارکردی - رفتاری یقین منطقی، زمینه‌ی طرح سؤال از ساحت‌های دیگر پیش می‌آید که یکی از آن‌ها ظن است. در این جایگاه، مسئله‌ای که در این جستار از آن بحث می‌شود، ظن است. ظن به مسئله‌ای خاص، حالتی ویژه از فعالیت‌های ادراکی انسان محسوب می‌شود. درباب آگاهی‌های ابتدایافته بر ظنون چه می‌توان گفت؟ ارزش معرفتی ظن چگونه است؟ در ساحت رفتار چه جایگاهی دارد؟ در اندیشه‌ی بسیاری از اندیشمندان مسلمان، شناخت‌های یقینی امکان‌پذیر است و به بسیاری از مسائل و موضوعات می‌توان چنین یقینی داشت، اما در این مقاله، تلاش بر این است که بر تصویرسازی فخر رازی از حالت ادراکی ظن، مطالعه و پژوهش شود. رازی در مواضع متعددی درباب ارزش معرفتی ظنون بحث کرده است. با تحلیل ارزش معرفتی ظن در اندیشه‌ی رازی، به‌صورتی موردپژوهانه، کاربرد این مسئله در خداشناسی و دواعی فعل را تحلیل می‌کنیم. این امر، گونه‌ای ارزش عمل‌گرایی ظن را نشان خواهد داد. از این‌رو مسئله‌ی

جستار حاضر، واکاوی ارزش معرفتی ظن در اندیشه‌ی فخر رازی است و به‌طور ویژه، در مقام پاسخ‌دادن به این سؤالات هستیم: ۱. ظن در اندیشه‌ی رازی به چه معنایی به کار رفته است؟ ۲. ارزش معرفتی ظن در تصویرسازی فخر رازی چیست؟ ۳. آیا در ارزش معرفتی مبتنی بر ظن، سنخ مسائل متفاوت است؟ ۴. وحدت و تکثر ظن/ظنون چه تأثیری در اعتبار داده‌ی حاصل از آن دارد؟ ۵. در تلقی فخر، تأثیر ارزش ظن در نحوه‌ی پذیرش وجود خدا و انگیزه‌های بر انجام فعل چیست؟

## ۲. تحلیل جایگاه ظن [انگاره‌داشت] و چیستی آن در اندیشه‌ی فخر رازی

ظن در معانی مختلفی به کار رفته است. معنای‌ای را که رازی از آن‌ها استفاده کرده است، می‌توان از تقسیم‌بندی او از احکام ذهنی، صورت‌بندی کرد. در بسیاری از آثار فخر رازی، تقسیم‌بندی شایع وی در باب احکام ذهن (تصدیقات) مشاهده می‌شود. در آن تقسیم‌بندی، مؤلفه‌های ظن (اعتقاد راجح)، وهم (اعتقاد مرجوح)، شک (اعتقاد مساوی)، جهل مرکب (جازم غیرمطابق با واقع)، اعتقاد (تصدیق مطابق با واقع غیرموجه) و علم یا یقین (تصدیق مطابق موجه) با جدول پیش رو حضور دارند؛ بنابراین باورهای انسان طیف وسیعی دارد: باور توهمی، باور مبتنی بر جهل مرکب که خود فاعل شناسا از غیرمطابق بودن آن با واقع آگاه نیست، باور ظنی، باور یقینی، باور اعتقادی.<sup>۲</sup>



رازی در *المباحث المشرقیه* و دیگر آثار، در فصل اقسام تصدیقات، با طبقه‌بندی تفصیلی خود از احکام ذهن، بر این سه‌گانه‌ی کلی تأکید دارد: ۱. جزم مطابق با محکوم علیه موجب (موجه)؛ ۲. جزم مطابق با محکوم علیه ناموجب (ناموجه)؛ ۳. غیر جازم راجح. این تأکید، بنابر

اهمیت این سه در معرفت‌شناسی رازی، در قسمت بعد تحلیل خواهد شد. در حالت نخست، بر حالات حاصل از حواس پنج‌گانه، بدیهیات خودموجه، نظریات توجیه‌دار و مجربات و... تأکید دارد؛ حالت دوم، حالت اعتقاد است و سومی، همان ظن است (۱۱، ج ۱، ص: ۳۴۴-۳۴۵؛ ۱۲، ص: ۲۴۲؛ ۱۳، ج ۴، ص: ۱۱). بنابراین مطابق با این تقسیم‌بندی، ظن، حالت ادراکی غیرجازم راجح است و مانع از نقیض نیست.

ظن در معانی دیگری نیز به کار رفته است. برخی پژوهش‌ها از این معانی سخن گفته‌اند.<sup>۳</sup>

۱. برخی در معناساختی ظن، بر احتمال قوی تأکید دارند (۳۰، ص: ۲۷۳)؛

۲. عده‌ای در واژه‌شناسی آن، از اصطلاحات یقین و شک بهره گرفته‌اند و معتقدند ظن از واژگان جامع‌الاضداد است. شیخ صدوق در توحید، این دو را در آیات قرآن نشان داده است: «الَّذِينَ يَظُنُّونَ أَنَّهُمْ مُلَاقُوا رَبِّهِمْ»؛ يَعْنِي يُوقِنُونَ... فَالظَّنُّ هَاهُنَا الْيَقِينُ خَاصَّةً. وَ «رَأَى الْمُجْرِمُونَ النَّارَ فَظَنُّوا أَنَّهُمْ مُوَاقِعُوهَا»؛ يَعْنِي أُيْقِنُوا أَنَّهُمْ دَاخِلُوهَا. وَ كَذَلِكَ قَوْلُهُ «إِنِّي ظَنَنْتُ أَنِّي مُلَاقٍ حِسَابِيَه» يَقُولُ إِنِّي أُيْقِنْتُ... لِلْمُنَافِقِينَ «وَتَظُنُّونَ بِاللَّهِ الظُّنُونًا» فَهَذَا الظَّنُّ ظَنُّ شَكٍّ وَ لَيْسَ ظَنُّ يَقِينٍ. وَ الظَّنُّ ظَنَانٌ ظَنُّ شَكٍّ وَ ظَنُّ يَقِينٍ. فَمَا كَانَ مِنْ أَمْرٍ مُعَادٍ مِنَ الظَّنِّ فَهُوَ ظَنُّ يَقِينٍ وَ مَا كَانَ مِنْ أَمْرِ الدُّنْيَا فَهُوَ ظَنُّ شَكٍّ» (۲۱، ص: ۲۶۷).

۳. برخی آن را محصول و برآیند نشانگان و امارات قرار داده‌اند: «اسم لما يحصل عن إِمَارَةٍ» (۱۷، ص: ۵۳۹). رازی نیز چنین معنایی را آورده است: «و الامارة هي التي يلزم من العلم بها، ظن وجود المدلول» (۱۲، ص: ۱۴۱). ظن، بسته به میزان اعتبار و قوت نشانگان، میان علم و وهم در جریان است. نشانگان قدرتمند، زمینه‌ساز علم و نشانگان ضعیف، رو به‌سوی وهم دارند (همان).

۴. ملاصدرا در *مفاتیح الغیب*، با رویکرد انتقادی به تبیین سی مفهومی پرداخته است که در معنای علم به کار می‌روند و ظن را یکی از آن واژگان به حساب می‌آورد (۳۱، ص: ۱۴۰). همچنین رازی می‌گوید گاهی ظن غالب، در معنای علم به کار می‌رود (۱۲، ص: ۱۳۲). رازی بر آن است که به دلیل مشابهت‌هایی که میان ظن و علم وجود دارد، گاهی به‌جای یکدیگر به کار می‌روند (۷، ج ۵، ص: ۲۳۷؛ نیز ر.ک: همان، ج ۱۰، ص: ۱۵۵؛ همان، ج ۲۱، ص: ۴۷۴). هرچند در جایگاهی، کاربرد ظن و علم به معنای یکدیگر را استعمال مجازی می‌داند (همان، ج ۲۸، ص: ۲۵۱).

در آیات قرآن نیز معانی ظن متفاوت است: یقین، شک، تهمت، حِسبان؛ و بیشتر کاربرد آن، در زمینه‌ی پنداره، حقارت، طعن و تحقیر بوده است (۲۴، ص: ۹۵)؛ مثلاً در آیه‌ی «إِنَّ يَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ وَ إِنَّ الظَّنَّ لَا يُغْنِي مِنَ الْحَقِّ شَيْئًا» (نجم: ۲۸) و آیات مشابه آن، ظن در معنای پنداره‌ی ناصواب، انگاره‌ی ناقص، تردید و امر بی‌پایه یا مواجهه‌ای نامطلوب و ناکافی

به کار رفته است و به معنای ظن اصطلاحی که در اعتقادات استفاده می‌شود، نیست. در قرآن نیز بسیاری از واژگان علم یا یقین، به معنای یقین منطقی به کار رفته است و بسیاری از مواردی که ظن منطقی (اعتقاد راجح) است، با واژه‌ی علم از آن‌ها یاد شده است.<sup>۴</sup> همچنین علم در قرآن، صبغه‌ی ایمانی دارد و علم بی‌بهره از ایمان و تقوا و تسلیم، معرفت محسوب نمی‌شود؛ باتوجه‌به اخذ این مؤلفه در علم مدنظر قرآن و نیز حالت انبساطی و طیفی تسلیم و درجات یقین و علم، می‌توان از پویایی معناشناختی علم و یقین و ظن و اطمینان در قرآن سخن گفت.

در آثار رازی، به‌صورت حداکثری، ظن در همان معنای مندرج در طبقه‌بندی به کار رفته است: حالت ادراکی غیرجاذم راجح (اعتقاد راجح) که مانع از نقیض نیست (۷، ج ۲، ص: ۴۲۳ و ج ۳، ص: ۴۹۱)، اما باتوجه‌به اینکه از نظر رازی ظن مراتب مختلفی دارد (همان، ج ۲، ص: ۴۲۳)، معانی اشاره‌شده نیز در سامانه‌ی معرفتی رازی مشاهده می‌شود: ۱. ظن غالب؛ ۲. ظن ضعیف؛ ۳. برآیند نشانگان؛ ۴. ظن به معنای علم. مثلاً بر پایه‌ی گزارش رازی از آیه‌ی ﴿الَّذِينَ يَظُنُّونَ أَنَّهُمْ مُلَاقُوا رَبِّهِمْ﴾ (بقره: ۴۶)، در بسیاری از متون تفسیری، مفسران ظن در این آیه را به معنای علم به کار برده‌اند.<sup>۵</sup> دو دلیل برای این کاربرد و تفسیر وجود دارد: ۱. نسبت علم انسان در دنیا، به علم انسان در آخرت، همچون حالت ادراکی ظن است در برابر یقین؛ ۲. در دنیا، علم حقیقی فقط برای پیامبران و صدیقین حاصل می‌شود (۷، ج ۲، ص: ۴۲۳). ملاصدرا این عبارت را عیناً و بدون ارجاع، در *مفاتیح‌الغیب* آورده است (۳۱، ص: ۱۴۰).

اینکه رازی درخصوص ظن، واژگان ضعیف و غالب و اقوی را به کار می‌برد، نشان‌دهنده‌ی ذومراتب‌بودن ظن، به‌مثابه حالت ادراکی انسان در مواجهه با پدیده‌هاست. در اصول فقه، واژه‌ی «ظن متأخم به علم» حکایتگر بالاترین درجه‌ی ظن است. در تعریف ظن متأخم که هم‌ردیف واژگانی چون علم اطمینانی، ظن قوی، قطع عرفی، علم عادی نیز به کار رفته است، گفته‌اند ظنی است که به درجه‌ی اطمینان برسد و وجود احتمال خلاف، با آن منافاتی ندارد و حجیت آن ذاتی بوده و نیازمند جعل شارع نیست (۲۴، صص: ۹۶-۹۷). در ظن غالب، هرچند احتمال خطا هست، اما مکانیزم روانی انسان و نه فعالیت عقلی او، بدان توجهی ندارد. در مکانیزم روانی، با حالاتی روان‌شناختی همچون دوستی و عداوت، حب و بغض، امیدواری و یأس، درمندی و رنجوری، ملالت و احساس آرامش و... مواجهه هستیم. اگر باوری با ویژگی کارآمدی و اثربخشی، در درون انسان سامان یابد، باید با سامانه‌ی پیچیده‌ای از مؤلفه‌های درونی انسان سازگاری داشته باشد؛ مثلاً آیه‌ی ﴿فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ﴾ (بقره: ۱۰)، به بیماری اخلاقی - روان‌شناختی اشاره دارد که در آن، فرد هرچند آگاهی به باورهای بنیادین هستی

دارد، اما بنابر منفعت‌طلبی و جاه‌خواهی خود، حاضر به اثربخش کردن و کارآمدسازی آن در زندگی نیست.

بنابراین رازی از واژگان یقین و ظن در معنای اصطلاحی بهره‌برداری می‌کند، اما ظن را دارای مراتب مختلف می‌داند که از بالاترین درجه‌ی آن، با واژگانی نظیر ظن غالب، ظن حداکثری، ظن اقوی یاد می‌کند. رازی در الگویی که از تقسیم‌بندی خود درباره تصدیقات یا احکام ذهن ارائه داده است، جایگاهی برای اطمینان در نظر نگرفته است. هرچند برخی تأکید دارند اطمینان همان حالت بالای ظن است، اما به نظر می‌آید علت اخذ نکردن اطمینان در تقسیم‌بندی‌های متداول رازی که در بسیاری از مواضع از آن‌ها سخن می‌گوید، این است که اطمینان برآیند فعالیت‌های نظری و عملی انسان است که در درون آدمی به وجود می‌آید و فی‌نفسه، ابزار مستقل شناختی در کنار یقین یا ظن نیست. خواه آگاهی را در معرفت لدنی و قدسی لحاظ کنیم، خواه آن را در یقین منطقی در نظر بگیریم یا ظن، با تقویت نگرش‌های الهی با ابزارهای یادشده، حالت اطمینان در انسان ایجاد می‌شود و این با علم اطمینانی یا علم عادی که در بالا ذکر شد، متفاوت است. هرچند که در برخی تصویرسازی‌ها، اطمینان و ثبات صرفاً وصف یقین محسوب می‌شود (۳۴، ج ۱۴، ص: ۲۶۴)، اما براساس این تحلیل، اطمینان<sup>۶</sup>، وصف درونی انسان است.

### ۳. تحلیل اعتبار معرفت‌شناختی ظن [انگاره‌داشت] در اندیشه‌ی فخر

#### رازی (آیا ظن اعتبار دارد؟)

درباره‌ی اعتبار ظن دو رویکرد کلی را می‌توان شناسایی کرد: حجیت‌نداشتن ظنون در اعتقادات دینی و حجیت و اعتبار ظنون خاصه‌ی اعتقادی<sup>۷</sup>. هریک از قائلان، دلایل متعددی بر مواضع خویش آورده‌اند. رویکرد این جستار، اعتبار ظنون در آموزه‌های دینی و باورهای بنیادین زندگی است. این مسئله به تبیین نیازمند است. حجیت و اعتبار ظنون را می‌شود در دو قالب حجیت نظری و معرفتی و ارزش و حجیت عملی بررسی کرد. می‌توان بر پایه‌ی مواضع متعدد فخر درباره‌ی ظن که در آثارش آمده، او را به اعتبار معرفت‌شناختی ظن در ساحت دین قائل دانست<sup>۸</sup>.

#### ۳.۱. گواهی و نشانگان؛ زمینه‌های ساخت ظن اقوی

برپایه‌ی تحلیل فخر رازی، ظن به‌لحاظ قوت و ضعف، مراتبی دارد (۱۳، ج ۳، ص: ۱۶؛ ۱۲، ص: ۲۴۳). فخر به دو زمینه‌ی این اختلاف اعتبار ظن اشاره دارد: ۱. این قوت و ضعف، گاه در نحوه‌ی آگاهی‌بخشی دیگران (گواهی<sup>۹</sup> دیگران) است؛ و ۲. گاه در مشاهده و دیدن نشانگان در افاده‌ی ظن (۱۳، ج ۳، ص: ۱۶). درباره‌ی مطلب اول می‌گوید ظن حاصل از اخبار

اقوام متعدد، قوی‌تر از ظن حاصل از خبر انسان واحد است؛ مثلاً مسئله‌ی تجربیات نزدیک به مرگ و داشتن آگاهی‌ها و اطلاعات و نیز تجارب فرد در آستانه‌ی مرگ، تا چه اندازه‌ی درست، معتبر، قطعی و پذیرفتنی است؟ بر پایه‌ی گزارش‌های مختلف در آثاری که به این پدیده پرداخته‌اند، اگر فردی خاص این واقعه را گزارش کرده باشد، پذیرش آن بسیار دشوار است. اگر این گزارش، از میان یک تمدن خاص باشد، باز دشواری وجود دارد. اگر این گزارش‌ها به جامعه‌ی فقیران متعلق باشد، باز به‌سختی پذیرفتنی است. اما اگر گزارش‌ها براساس جنسیت‌های مختلف، ملیت‌های گوناگون، دوران تاریخی متفاوت، طبقات اجتماعی متنوع، سنین مختلف و... باشد، احتمال درستی آن بیشتر است و در نتیجه، مکانیزیم پذیرش در انسان را ارتقا می‌دهد.<sup>۱۰</sup> سؤال در این باره، در باب اعتبار معرفت‌شناختی گواهی دیگران است که فخر برآیند آن را ظن اقوی معرفی می‌کند. در معرفت‌شناسی، مقصود از گواهی، نوشته یا گفته‌ای است که شخص دیگری را به معرفت یا توجیه معرفتی درباره‌ی گزاره‌ای برساند (۲۰، ص: ۱۸۶). گواهی در معرفت‌شناسی، از راه‌های دستیابی به معرفت است (۳۲، ص: ۲۹۱). و رازی آن معرفت را در رویکرد حداکثری، ظن معرفی می‌کند. محصول ظن قوی در تعبیر رازی، حاصل گواهی‌های مختلف است؛ از این رو، ظن اعتبار معرفت‌شناختی خواهد داشت. مثال بالا منبع توجیه‌گر معرفتی مبتنی بر گواهی را نشان می‌دهد. در معرفت‌شناسی، گواهی منبع معرفت‌زای مستقلی تلقی نمی‌شود، بلکه از آن لحاظ که منبع توجیه‌گر معرفتی یا انتقال‌دهنده‌ی معرفت است، بر آن تأکید می‌شود (۲۰، ص: ۱۹۲). همچنین نشانگان و امارات، خود، راه‌هایی برای دستیابی به واقعیت‌اند (۳۲، ص: ۳۰۵) و در تصویرسازی ذهنی انسان و آگاهی او از چگونگی و ویژگی‌های امر بیرونی مؤثرند. رازی برآیند این نشانگان را آگاهی ظنی معرفی می‌کند. بنابراین آگاهی‌های ظنی حاصل‌آمده از نشانگان و امارات، در تصویرسازی از واقعیت، در اندیشه‌ی انسان اثربخش‌اند و این امر را مصحح اعتبار معرفتی ظن تلقی می‌کنند. گواهی‌های مختلف، در انسان ظنی اقوی ایجاد می‌کنند که بر تطابق با واقعیت مبتنی است (۱۳، ج ۲، ص: ۸۷).

### ۲.۳. ظن؛ یکی از درون‌محتوای‌های اندیشه‌ی انسان

مهم‌ترین شاخصه‌ی انسان بودن انسان، تفکر و اندیشه است و زندگی متأملانه، یک زندگی اصیل است. اما درون‌مایه و محتوای اندیشیدن، در کدامین قالب‌های فکری صورت‌بندی می‌شود و آن درون‌مایه با فاعل شناسا چگونه نسبتی دارد؟ آیا همواره این نسبت و ترابط، قطعی و یقینی است؟ آیا درون‌محتوای اندیشه‌ی انسان را همواره محتوای یقینی تشکیل می‌دهد؟ پاسخ رازی منفی است. در اندیشه‌ی رازی، تفکر «مجموع علوم و ظنون است که در صورت چیدمان خاص، از حصولشان در ذهن، علم یا ظن به پدیده‌ای دیگر لازم می‌آید»

(۱۵، ص: ۲۴۵). تفکر در انسان و برای انسان رخ می‌دهد و مؤلفه‌های درونی آن نیز با فاعل شناسا ارتباط دارند. به‌طور کلی، یقین و ظن، نحوه‌ی ارتباط و تعامل فاعل شناسا با گزاره/ پدیده/ صدق است؛ بنابراین آگاهی‌های ظنی که در فرایند تفکر قرار می‌گیرند و داده‌های اندیشه‌ی انسان محسوب می‌شوند، در ساختار معرفتی رازی اعتبار خواهند داشت.

### ۳.۳. وجه تکثری ظنون؛ زمینه‌ساز ایجاد و ساخت یقین

بر پایه‌ی تصویرسازی رازی، ظن در بالاترین مرتبه‌ی آن، اعتبار معرفت‌شناختی دارد و اندک احتمال خلاف و خطای آن، ارزش معرفتی و توجیه روان‌شناختی ندارد. کثرت ظنون در مسئله‌ای خاص، در انسان زمینه‌ی تقویت باور و یقین به آن مسئله را ایجاد می‌کند. بنابراین در اندیشه‌ی رازی، ظنون متراکم‌شده تا حد یقین ارتقا می‌یابند و اعتبار دارند. در اندیشه‌ی رازی، جنبه‌ای از اعتبار یا حجیت ظن، به حیثیت تکثر ظنون در فرایند ایجاد یقین برمی‌گردد. در این فرایند برای رسیدن به یقین در مسئله‌ای خاص، ظنونی برای انسان پیش می‌آید که توجه انسان به آن‌ها، موجب تولید/ایجاد یقین می‌شود. رئالیسم معرفتی، بر امکان شناخت و نیز امکان دستیابی انسان به شناخت‌های یقینی تأکید دارد. یقین، وصف گزاره‌ی حکایتگر از واقع برای فاعل شناساست و فاعل شناسا در داشتن یقین، باوری صادق، موجه و مطابق با واقع دارد. فاعل شناسا باوری جازم دارد و صدق [مطابقت] را به‌نحو قطعی احراز کرده و برای باور خود نیز دلایل توجیهی مطلوبی دارد (ر.ک: ۲۳، ج ۱، ص: ۱۳؛ ۲۶، ج ۱، ص: ۳۵۰). در میان اندیشمندان مسلمان، یقین عمدتاً وصف گزاره‌ای است که حاصل بدهات یا فرایند استدلال برهانی است (۲۸، ص: ۱۶۴؛ ۷، ج ۲، ص: ۴۲۲). این مسئله که یقین در انسان چگونه شکل می‌گیرد و چه فرایندی دارد، در معرفت‌شناسی مهم است. بر پایه‌ی نظر رازی، بخشی از یقین به امور آموزه‌ای، برآیند تردیدهای فاعل شناسا برای رسیدن به حقیقت است: «الیقین هو العلم بالشیء بعد أن کان صاحبه شاکاً فیه» (۷، ج ۲، ص: ۲۷۸). اما گذشته از حالت سؤال یا تردیدی که برای فاعل شناسا پیش می‌آید، تراکم ظن‌های انسان درخصوص مسئله‌ای که حاصل امارات و نشانگان مختلف است، در انسان یقین ایجاد می‌کند. ظنون مختلفی که درخصوص مسئله‌ای ویژه، ابعادی متنوع دارد، نهایتاً می‌تواند در انسان تولید یقین کند. از این امر می‌توان با عنوان وجه تکثری ظنون یاد کرد: «فالیقین هو العلم الذی حصل بسبب تعاقب الامارات الکثیرة و ترادفها حتی بلغ المجموع إلى إفادة الجزم» (۷، ج ۱، ص: ۱۴۱). معنای این یقین، همان یقین منطقی (و نه یقین روان‌شناختی) است که برآیند باور صادق موجه است: باوربودن آن، امری مسلم است و حالتی است که در فاعل شناسا ایجاد می‌شود؛ صدق و تطابقی که در اندیشه‌ی متفکران مسلمان بوده، در این موضع نیز وجود دارد و در قسمت واقع‌نمایی ظنون به آن خواهیم پرداخت. توجیه نیز بر وجه تکثری ظنون استوار



است. بدین‌سان می‌توان در این موضع، اعتبار معرفتی ظنون را براساس افاده‌گری وجه تکثری ظنون شناسایی کرد.

رازی در *المطالب العالیه و لوامع البینات* و در برخی آثار دیگر، ظن و یقین را در نگاهی فرایندمحور تحلیل می‌کند؛ به‌نحوی که یقین، فرآورده و محصول روندی است که در آن، بسیاری از ظنون که برآیند امارات و نشانگان و دلایل اقناعی‌اند، نقش دارند. آن‌ها دلایل قد تکون قطعی، و قد تکون إقناعیه. و الاستکثار من الدلائل الإقناعیه قد ینتهی إلى إفادة القطع. و ذلك لأن الدلیل الإقناعی الواحد قد یفید الظن، فإذا انضم إليه دلیل ثان، قوی الظن، و كلما سمع دلیلاً آخر ازداد الظن قوه، و قد ینتهی بالآخره إلى حصول الجزم و البیقین. و هذا المعنی هو أحد الفوائد التي ذکرها صاحب المنطق فی تعلیم قوانین الجدول. قال: «لأن القوانين الجدلیه، و إن أفادت الظن، الا أن تلك الظنون، إذا قویت فقد تنتهی إلى حد البیقین» (۱۳، ج ۱، ص: ۲۳۹).

فالبیقین اسم لعلم کان فی أول الامر اعتقاداً ضعيفاً ثم اجتمعت الدلائل فتأكد الاعتقاد و صار علماً (۸، ص: ۳۷).

رازی در مواضع بسیاری، دلایل بر یک مسئله را به دلایل قطعی یقینی و دلایل اقناعی تقسیم می‌کند (مثلاً ر.ک: ۱۳، ج ۱، ص: ۲۳۹؛ ۸، ص: ۱۳۳). دلایل اقناعی به‌لحاظ ارزش علمی، از دلایل یقینی در مرتبه‌ی پایین‌تری قرار دارند؛ اما درعین‌حال، بسیاری از آدمیان در توجیه باورداشت‌های خود، به دلایل اقناعی تمسک می‌کنند (۸، صص: ۱۳۲-۱۳۳). همچنین آن دلیل ظنی که با باورداشت مبتنی بر دلایل یقینی معارض باشد، ارزش معرفتی نخواهد داشت (۷، ج ۱۱، ص: ۲۰۴). رازی در جایی می‌نویسد: برای یک مسئله، دو گونه دلیل یا حجت وجود دارد: حجت حقیقی یقینی که از احتمال نقیض مبراست و افاده‌کننده‌ی گزاره‌های یقینی است که بر پایه‌ی اصطلاح قرآنی، حکمت خوانده می‌شود و حجتی که چنین نیست، اما افاده‌ی ظن و اقناع کامل می‌کند که بر پایه‌ی اصطلاحات قرآنی، موعظه‌ی حسنه نام دارد.<sup>۱۱</sup> قسم سومی از دلایل نیز هست که در جدول کاربرد دارد و در الزام و سکوت خصم به کار می‌رود (۷، ج ۲۰، ص: ۲۸۶).

از این عبارت می‌توان نگاه فخر به اعتبار ظنون را نیز به دست آورد. ظن به یک مسئله‌ی خاص را باید در درون فرایند رسیدن به یقین درخصوص آن مسئله جست. اجتماع دلایل اقناعی و نشانگان ظنی، در انسان یقین تولید/ ایجاد می‌کند؛ از این‌رو عقلانیتی که رازی بر آن می‌اندیشد، بر صرف یقین‌های متنوع مبتنی نیست، بلکه ظنون نیز جایگاه معرفتی ویژه‌ای در زیست آدمی ایفا می‌کنند. یقین متصور رازی، حالت اشتدادی - تضعفی پیدا می‌کند و پیدایش و بازطراحی انگاره‌داشت‌ها می‌تواند در تقویت یقین مؤثر باشد. رازی می‌گوید هرگاه

دلایل عقلی بر مسئله‌ای ویژه دلالت کند و در انسان یقین ایجاد کند، آنگاه مشاهده‌ی شواهد و قرائن نقلی و اخبار که بر آن مدعا تأکید دارند، زمینه‌ساز تقویت یقین خواهد شد (۱۰، ص: ۱۸۴؛ ۱۳، ج ۹، ص: ۲۱۴).

### ۳.۴. واقع‌نمایی؛ مهم‌ترین وجه اعتبار معرفتی

ظنون حیثیت واقع‌نمایی و کاشفیت دارند، اما در اندیشه‌ی رازی، این واقع‌نمایی، امری نیست که جدای از فرایند باشد. معنای نگاه فرایندی آن است که اعتبار معرفتی ظن، در ایجاد زمینه برای کاشفیت مؤثر است. رازی از سویی، در پارادیم اعتبارشناسی معرفتی و شناختی قرار می‌گیرد و به لحاظ واقع‌نمایی یا ناواقع‌نمایی، دیدگاه ویژه‌ای ارائه می‌دهد و از دگرسو، همچون اصولیان بر ارتباط حالت نفسانی ظن و فاعل شناسا تأکید دارد و ظن و یقین را پدیده‌هایی جدای از فاعل شناسا لحاظ نمی‌کند؛ چراکه حالات نفسانی‌اند. ظن گونه‌ای حالت روان‌شناختی در خصوص مطابقت یا نامطابقت مفاد گزاره با واقع است. اعتبار ظن (ظنون) در ارزش نظری آن، بر کاشفیت دلالت دارد. براساس نظریه‌ی مطابقت، در حالت معرفت‌شناختی فاعل شناسا، رازی از اصطلاح افاده بهره‌برداری کرده و این افاده را بر تکرار ظنون حاصل از نشانگان و دلایل اقماعی وابسته کرده است. افاده بستر و زمینه‌ساز است و شرایط لازم روانی و معرفتی برای دستیابی یا همان احراز منطقی را آماده می‌سازد. بنابراین اگر بپذیریم که ۱. در میان اندیشمندان مسلمان نظریه‌ی کاشفیت مطابقی، عمده‌ترین نظریه‌ی صدق است؛ و ۲. حکایتگری، ذاتی شناخت‌های حصولی است (۲۸، ص: ۱۵۵)؛ و ۳. در میان کاشفیت مطابقی، دو فرایند دستیابی یا احراز صدق، و افاده یا زمینه‌سازی صدق وجود دارد که اولی، در نظریه‌ی کاشفیت مطابقی (صدق) شأنی والاتر دارد؛ و ۴. «نحوه‌ی حکایتگری گونه‌های مختلف شناخت نیز یکسان نیست» (همان)؛ می‌توانیم بگوییم گذشته از فرایند دستیابی و احراز، افاده‌گری نیز اعتبار دارد و از آنجایی که نشانگان و ظنون، در حالت تکثیری و وجه تکثری می‌توانند در فرایند افاده‌گری قرار گیرند و افاده‌کننده‌ی قطع و جزم باشند، بنابراین اعتبار دارند. در اندیشه‌ی رازی، سخن از گونه‌ای ارتباط معرفتی است و این ارتباط می‌تواند منشأ واقع‌نمایی ظنون قلمداد شود. این ارتباط میان انگاره‌داشت‌های ادعایی، با محکی واقعی که محصول فرایند است، برقرار می‌شود؛ به همین سبب، رازی در توصیف این ارتباط، از واژه‌ی افاده یا زمینه‌سازی استفاده می‌کند که در برابر دستیابی یا احراز در برخی ادراکات حقیقی، نظیر بدیهیات اولیه و وجدانیات و استدلال‌های برهانی قطعی یک گزاره است، و خود، مصحح و منشأ واقع‌نمایی و اعتبار معرفتی انگاره‌داشت است؛ از این رو، رازی در تفکری فرایندی و سیستمی، ظن را تحلیل می‌کند و آن را بریده‌ی از دیگر باورداشت‌های انسان لحاظ نمی‌کند. بنابراین انکشاف مطابقی (صدق) ادراکات ظنی، هرچند

به‌مثابه احراز ادراکات یقینی نیست و بنابراین واقع‌نمایی آن‌ها، از این احراز‌نشدن یقینی و تام متأثر است، اما درعین‌حال، انکشاف مطابقی این دست از ادراکات در صورت وجه تکثری، به‌سان افاده‌گری است و واقع‌نمایی آن‌ها نیز براساس همین انکشاف وجهی و افاده‌گری خواهد بود. در این جایگاه، انکشاف واقعیت برای فاعل شناسا به‌صورت مطابقی تام نیست و انکشاف وجهی است.

این اعتبار، گذشته از وجه واقع‌نمایی که معطوف به مسئله‌ی مطابقت (صدق) است، در توجیه نیز می‌تواند مطرح شود. رازی از دلایل متکثره سخن می‌گوید. تراکم و فشردگی کمی و کیفی دلایل و شواهد درباب مسئله‌ای ویژه، بر وجه اعتمادآفرینی و اعتبارسازی دلالت می‌کند. این تکثر دلایل و شواهد چنان است که احتمال خلاف را بسیار کاهش می‌دهد.

### ۳.۵. باورهای ظنی؛ از گستردگی در زندگی تا کاربرد آن در باورداشت‌های دینی

بسیاری از آگاهی‌های ما برآیند فعالیت یقینی نیست. در نحوه‌ی زیست آدمی آگاهی‌های غیریقینی مشاهده می‌شود. بسیاری از تصمیم‌گیری‌های آدمیان، مواجهه‌های معرفتی، پاسخ به رفتارهای دیگران، پاسخ به نیازهای خود و... بر پایه‌ی یقین نیست. همچنین کارکرد صرف یقین در پدیده‌ای خاص، موجب تعامل عاطفی - انگیزشی فاعل شناسا با آن پدیده نمی‌شود. آیه‌ی قرآن ﴿وَجَحَدُوا بِهَا وَاسْتَيْقَنَتْهَا أَنفُسُهُمْ ظُلْمًا وَعُلُوًّا﴾ (نمل: ۱۴) دلالت بر این مسئله دارد؛ از این‌رو، اگر در پی تحول نگرش‌ساز انسان باشیم، صرف دعوت به یقین و اینکه تمام مسائل باید بر پایه‌ی یقین حاصل آمده باشد، کارساز نخواهد شد.

ظن در بالاترین معنای آن که ظن غالب/ اقوی است، در عرف آدمیان گسترده‌ی فراوانی دارد. اطمینان حالت برآیند ظن غالب است که آرامش درونی را در بافتار درونی خود گنجانده است. در نظام معرفت‌شناختی رازی، گذشته از علم لدنی یا قدسی و علم یقینی، ظن که در نمودار فوق نشان داده شده است، اعتبار دارد. این اعتبار در بافتار یک سیستم معرفتی معنا می‌یابد و باتوجه‌به معناداری آن در قالب یک نظام، هم عقلانی است و هم عقلایی. عقلایی‌نامیدن آن، باتوجه‌به ارزش عملی آن سنجیده می‌شود<sup>۱۲</sup>، اما ساحت عقلانی آن وجهی کلی دارد و گذشته از حوزه‌ی رفتار و عملکرد، بر ارزش معرفتی ظنون تأکید دارد. اگر مسئله را در باورهای بنیادین<sup>۱۳</sup> زیسته‌ی آدمیان کرانمند سازیم، مشاهده می‌کنیم که بسیاری از باورها، مصبوغ و مسبوق به زمینه‌های ظنی است. بسیاری از آدمیان به وجود خداوند اعتقاد دارند، اما هرگز این اعتقاد را با فعالیت عقلی صرف به دست نیاورده‌اند. بسیاری بر ارزشمندی احکام اخلاقی، نظیر خوبی راست‌کرداری، تأکید دارند، اما نه در تک‌تک این مفاهیم مواجهه‌ی عقلی محض است و نه در احکام اخلاقی به‌مثابه یک گزاره. انسان‌ها به زندگی پس از مرگ اعتقاد دارند، اما این اعتقاد با رویکرد عقلی محض حاصل نشده است. بنابراین هرچند یقین

یک امر ادراکی ستودنی و ارزشمند است، اما بیشتر انسان‌ها به مسائل بنیادین، رویکرد یقین‌مدار ندارند؛ زیرا احاطه‌ی علمی تام به مسائل با زمینه‌ی یقین‌محور، دست‌کم نیازمند دو عامل است: ۱. تلاش عقلانی فرد (فاعل شناسا) و ۲. مسئله‌ای که از آن بحث می‌شود (موضوع شناسا). اما از آنجایی که بیشتر انسان‌ها با پدیده‌ها مواجهه‌ی عقلانی محض ندارند و باتوجه‌به دشواری و عمق اندیشه در این باره، تلاش فکری و عقلانی انجام نمی‌دهند و نیز باتوجه‌به لایه‌واربودن و درهم‌تنیدگی مسائل، رویکرد یقینی، رویکرد غالب نخواهد بود. همچنین در یقین احتمال خطا نیز وجود ندارد و تمامی فرایند برهان‌سازی باید با دقت ریاضیاتی پیش رود. با این وصف، جای این سؤال باقی می‌ماند که چند درصد از تمامی باورداشت‌های ما، با این روند یقینی خطاناپذیر و با دقت کامل ریاضیاتی ساخته و پذیرش شده است؟ طبیعتاً بسیار اندک است یا در بسیاری از آدمیان، در مرز صفر است (رک: ۱۳، ج ۲، ص: ۹۸). بنابراین نباید به‌صورتی آرمان‌گرایانه، شعار یقین‌خواهی در تمامی باورهای دینی را سر داد و دیگران را که از این یقین بهره‌مند نیستند، محکوم ساخت؛ می‌توان طیف گسترده‌ای از باورمندی به واقعیت‌های بنیادین یادشده داشت؛ از معرفت قدسی تا باورهای ظنی. از این رو، رویکرد شناخت آموزه‌های اعتقادی براساس صرف استدلال‌ورزی و تعقل که برخی اندیشمندان بر آن تأکید دارند، پذیرفتنی نیست. هرچند فعالیت عقلانی امری شایسته است، اما می‌توان در این جایگاه، ملاحظات فراوانی داشت. یک اصل نخستین این است که هر انسانی لازم است اعتقادات دینی خود را بر پایه‌ی ره‌آورد یقین استوار سازد؛ ولی هیچ‌گاه این حکم نخستین، به معنای کنارگذاشتن ظن در امور اعتقادی نیست. فخر رازی در مواضعی، سخن‌گفتن دین با مردم در خصوص باورهای بنیادین را با رویکرد ظنی و در قالب موعظه‌ی حسنه و نه یقینی تحلیل می‌کند (۷، ج ۲۰، ص: ۲۸۶)؛ از این رو در حوزه‌ی مسائل دین‌شناختی، فرایند اقلان‌سازی اهمیت وافر پیدا می‌کند. وجهی از این فرایند، به نهادینه‌سازی آموزه‌های دینی در جامعه (عموم مردم) برمی‌گردد: با کدامین الگوها و شیوه‌ها می‌توان انسان‌ها را به آموزه‌های دینی ملتزم کرد و قانعشان ساخت؟ رازی از میان دو الگوی گفتاری یقین‌محور و خطابه و ظن‌محور، بیشتر بر دومی تأکید دارد و نقش آن را در تعاملات اجتماعی دین برجسته می‌سازد (همان). به این سبب، گذشته از معرفت‌های لدنی بی‌نیاز از استدلال که به انسان‌های ویژه تعلق دارد و در ساحت دین‌داری صاحب آن تحولی ممتاز را ایجاد می‌کند و نیز گذشته از معرفت‌های یقینی عقل‌مدار که به مواجهه‌های عقل‌گرایانه با دین و پدیده‌های آن متعلق است، باورهای ظنی و مواجهه‌های ظن‌مدارانه نیز در دین کارکرد دارند. معرفت‌های دینی برای انسان‌ها، همه یکدست و یکسان نیست؛ برخی اعلی درجه‌ی

معرفت را دارند و برخی رویکردهایی فروتر. اما آنچه اهمیت دارد، آرامش قلبی در گونه‌های مختلف مواجهه‌هاست.

### ۳.۶. جایگاه ظن در فرایند اقناع‌سازی

در حوزه‌ی روان‌شناسی و جامعه‌شناسی ارتباطات، اقناع<sup>۱۴</sup> فرایند پیچیده‌ای دارد. اقناع، با اثربخشی ارتباط مستقیمی دارد. اقناع را می‌توان محصولی دانست که از اثربخشی پایدار ارتباطات مختلف به دست آمده باشد. اقناع طرف‌ارتباطی، در قالب یک فرایند صورت می‌گیرد. برخی از اضلاع آن در مخاطب عبارت است از: فهم پیام، پذیرش پیام، همدلی و مواجهه‌ی انگیزشی با پیام، درونی‌سازی پیام و تغییر نگرش و تلاش در برون‌داد رفتاری و کارکردی محتوای پیام، از جانب خود. مؤلفه‌ی آخر، بر این دلالت دارد که خود مخاطب بعد از اقناع، ترویج‌گر و عامل به آن محتوا خواهد شد. رویکرد اقناع تلاشی آگاهانه برای تغییر نگرش مخاطب یا طرف‌ارتباطی است. اقناع گونه‌ای مخاطب‌شناسی است و در این مواجهه، تحمیل اجباری، جای خود را به تعامل عقلانی - عاطفی می‌هد؛ باورها و هیجانات مخاطب شناسایی می‌شود و شیوه‌ی بهره‌گیری از ابزارها و اصول تأثیرگذاری متناسب با آن‌ها سنجیده می‌شود. بنابراین مخاطب‌شناسی اقتضا دارد که در یک آن، همه‌ی مباحث برای مخاطب تبیین نشود. چکاندن قطره‌های اندیشه‌ها («نظریه‌ی قطره‌چکانی اندیشه» (ر.ک: ۱۸، ص: ۱۰۴)) و ایجاد فضای ذهنی - فکری مناسب، از لوازم اقناع است. همچنین در مخاطب‌شناسی باید سطح پیام‌ها و مسائل، در حد فهم مخاطب باشد؛ پیام باید در آستانه‌ی آگاهی مخاطب قرار گیرد و لازم است به عوامل محیطی و نیز بار هیجانی پیام توجه شود. اقناع این امر را در دل خود دارد که انسان‌ها صرفاً رویکرد انفعالی ندارند و از دگرسو، عقلانیت یقینی، بر آن‌ها مسلط نیست، بلکه در ارتباطات گسترده‌ای قرار دارند که پذیرش یا رد امور، براساس آن صورت می‌گیرد. اعتمادسازی، مؤلفه‌ی دیگر اقناع محسوب می‌شود. برخی بر مدل‌های مختلف اقناع اشاره کرده‌اند: مدل اقناع هاولند و همکاران، مدل حقیقت‌نمایی تفسیر شناختی، مدل ناهماهنگی شناختی، مدل شهودی منظم، مدل روش فرایند نگرش - رفتار، و مدل عمق پردازش (۱، ص: ۴۲). مثلاً براساس مدل هاولند که از نخستین تصویرسازی‌های علمی مدل‌های اقناع و تغییر نگرش است، اقناع در چند مرحله صورت می‌گیرد: در معرض پیام قرار گرفتن؛ توجه به پیام؛ درک پیام؛ پذیرش نتیجه‌گیری مربوط به پیام؛ به‌یادسپاری نگرش جدید و تبدیل نگرش به رفتار. برخی پژوهشگران متغیرهای اصلی متقاعدسازی هاولند را در چهار امر شناسایی کرده‌اند: منبع پیام (تخصص، جذابیت، خوش خلقی، مقبولیت، قاطعیت)؛ پیام (استدلال یا هیجان، یک‌جانبه یا دوجانبه)؛ کانال یا چگونگی انتقال پیام؛ و مخاطب (سن، هوش، تحصیلات، درگیر شدن با موضوع). در مدل حقیقت‌نمایی تفسیر شناختی پتی

و کاسیوپو، به فرایند تحلیلی پیامی پرداخته می‌شود که مخاطب انجام می‌دهد و از دو روش مرکزی و پیرامونی استفاده می‌شود. روش مرکزی در جایی است که مخاطب در تحلیل پیام، توانایی ذهنی بالایی داشته باشد و در آن، به تحلیل غنی و مستدل بحث پرداخته می‌شود، اما در روش پیرامونی که مخاطب چنین خصیصه‌ای ندارد، از عوامل دیگری همچون تأکید بر اعتبار، پایگاه و برخورد ارتباط‌گر و نشانگان استفاده می‌شود<sup>۱۵</sup>.

در اندیشه‌ی رازی مؤلفه‌های اقناع مشاهده می‌شود. نخست آنکه رازی مخاطب‌شناسی ویژه‌ای ارائه داده که یکی از اضلاع مهم اقناع را تشکیل می‌دهد (۷، ج ۲۰، ص: ۲۸۶). براساس این مخاطب‌شناسی، افراد به لحاظ استدلال‌پذیری و عاطفه‌محوری، در طیف‌های مختلف و نایکسانی‌اند. رازی همچون مدل شیوه‌ی مرکزی و پیرامونی پتی و کاسیوپو، از دو شیوه‌ی استدلال‌های یقینی مبتنی بر استدلال عقلانی و شیوه‌ی اقناعی مبتنی بر محرک‌های برون‌استدلالی و فرایقینی استفاده می‌کند؛ مثلاً در گفتگو در باب بحث پذیرش وجود خدا، در بخش دوم (محرک‌های برون‌استدلالی و فرادانشی)، از تجربه‌های تمدن‌ها، اعتبارسازی، عاقبت‌شناسی، آرامش و... و به‌طور کلی، محرک‌های اجتماعی و روان‌شناختی افراد بهره جسته است؛ از این‌رو، در اندیشه رازی، همواره اقناع، مکانیزیمی در کنار یقین است و حالتی فراتر نیست که شامل استدلال‌ها و گزاره‌های یقینی بشود (ر.ک: ۱۳، ج ۷، ص: ۳۳۶؛ ج ۷، ۳۴۰؛ ج ۸، ۱۴۹). رکن دیگر مخاطب‌شناسی در فرایند اقناع نیز اثربخشی است که رازی بر آن تأکید دارد (مثلاً، ر.ک: ۷، ج ۲، ص: ۳۸۵). بنابراین در نظر رازی، عناصر ارتباطی در اقناع که عبارت‌اند از پیام (فهم‌پذیر و اثرگذار)، پیام‌رسان (صاحب دانش، مخاطب‌شناس و توانمند در به‌کارگیری مهارت‌های ارتباطی) و مخاطب اهمیت دارد.

در ادبیات رازی، واژه‌ی اقناع با ظن ربط و نسبت استواری پیدا می‌کند. رازی با تقسیم دلایل به قطعی و اقناعی، دلایل اقناعی را به زمینه‌ساز و افاده‌گر ظن تحلیل کرده است (۱۳، ج ۱، ص: ۲۳۹). وجود امارات و نشانه‌ها در تقویت ظن، مثبت است و در نتیجه، در ارتقای موفقیت اقناع‌سازی اهمیت دارد (۷، ج ۲، ص: ۴۲۳؛ ۱۱، ج ۲، ص: ۲۱۳). وجوه ظنی بر مسئله‌ای ویژه، در تعامل با وجه اقناع‌آوری است (۷، ج ۲۲، ص: ۱۳۰؛ ۱۳، ج ۷، ص: ۸۴). اقناع که در اندیشه‌ی رازی با ظن ارتباطی گسست‌ناپذیر دارد، در تغییر نگرش و تقویت ایمان دینی کارساز است. بر پایه‌ی مراتب‌داشتن ایمان و نگاه طیفی به آن و نیز مطابق با برخی آیات قرآن کریم (بقره: ۲۰۶) می‌توان ادعا کرد که ظنون در ساحت دین‌داری، در افزایش ایمان به خداوند و ایجاد تحول در زندگی مؤثرند. رازی از وجود ساخت‌های اقناعی و نشانه‌ها سخن می‌گوید که با مواجهه‌ی ظن‌گرایانه، باورهای بنیادین انسان را تقویت می‌کنند؛ زیرا هرچند باور امری ثابت و ساکن است، اما کنش هیجانی و انگیزشی به آن که موجب بارورشدن

باورها و نیز حالت پویایی و سرزندگی آنها می‌شود، امری اشتدادی است. به این سبب، هرچند حضرت ابراهیم به وجود خداوند باور داشت و در این مسئله تردیدی نداشت، اما در پی اطمینان بود. آرامش و سکینه‌ی درونی، امری ذومراتب است. اقناع و ظن، در ایجاد این آرامش درونی نقش ایفا می‌کنند. ظنون و مواجهه‌های ظنی، در ایجاد ارتقای وجودی نقش فزاینده‌ای ایفا می‌کنند. ظنون به‌مثابه شواهد و تأییداتی‌اند که ممکن است از زمینه‌های غیرمعرفتی یا زمینه‌های معرفتی متعلق به دانش‌های تجربی و غیرالهیاتی پدید آمده باشند و به تعبیر رازی، نشانگانی‌اند که در تقویت باور دینی تأثیر شگرفی ایجاد می‌کنند. این نشانگان و ساخت‌های اقناعی می‌توانند در انسان حرکتی ایجاد کنند و تأثیر آنها از صرف علم یقینی منجمد و یخ‌زده بیشتر است. چنین تحلیلی باتوجه‌به انسان‌شناسی، پذیرفتنی و دفاع‌پذیر است؛ انسان به‌طور کلی چنان ساخته نشده است که کنشگری نظری و عملی‌اش، صرفاً بر استدلال و عقلانیت مبتنا یافته باشد. صرفاً مسائل عقلی محض نیست که بر انسان مؤثر است و ساحت عقلانیت محض، یگانه ساحت انسان نیست، بلکه طیف گسترده‌ای از مسائل، پدیده‌ها، مواجهه‌ها و... در تقویت و تضعیف باورها نقش دارند؛ بنابراین موضع برخی اندیشمندان درباره‌ی بی‌ثمر بودن ظنون در اصول اعتقادی، پذیرفتنی نخواهد بود. توجیه ایشان آن است که هدف اصلی از اصول اعتقادی، شناختن آنهاست و چون شناخت با ظن حاصل نمی‌شود، ظن در امور اعتقادی، اثر عملی و کارآمدی نخواهد داشت (ر.ک: ۲۲، ج ۱۰، ص: ۳۵۱)؛ درحالی‌که باتوجه‌به تحلیل بالا، اولاً ظنون اعتقادی به‌نحو فزاینده‌ای در زندگی آدمیان حضور دارند؛ ثانیاً شناخت یقینی همه‌جانبه، امری آرمانی است و در کمتر انسان‌هایی تحقق می‌یابد؛ و ثالثاً این ظنون، کارآمد و اثربخش نیز هستند. امروزه در دانش ارتباطات، بر نقش فعالی که ابزارهای اقناع‌ساز در ایجاد این تحول و نگرش دارند، تأکید می‌شود. بنابراین اعتقادات دینی مبتنی بر ظنون، نه‌تنها در بافتار دینی ارزشمند است، بلکه بر پایه‌ی ساختار وجودی انسان و نحوه‌ی پذیرش امور برای انسان، حاصل شده است.

#### ۴. شاخصه در کاربردهای ظن [انگاره‌داشت] در امور دین‌شناختی

کاربرد رویکرد ظن در آموزه‌های دینی، به شاخص و ضابطه نیازمند است. در اینجا، بر دو شاخصه تأکید می‌شود. به‌طور کلی می‌توان اذعان کرد پدیده‌های ظنی‌ای که در تقویت باورهای بنیادین در حوزه‌ی مسائل نظری و ارتقای اخلاق‌مداری در حوزه‌ی فعالیت‌های عملی کارساز باشند، در دین، ظنونی معتبر محسوب می‌شوند. از این‌رو، باورهای بنیادین و اخلاقی زیستن را شاخصه‌ی مواجهه‌ی ظن‌گرایانه با پدیده‌های دینی محسوب می‌کنیم. ظنون یا انگاره‌داشت‌های انسان، به‌تنهایی و بدون نسبت‌سنجی آن با مسائل و رویکردهای کلی

دین‌شناختی، امری بی‌معناست. این سؤال که آیا ظن [انگاره‌داشت] معتبر است یا نه، بدون لحاظ آن در پارادایم دین و ارتباط گسترده‌ی آن با پدیده‌های دین‌شناختی و دین‌دارانه، نمی‌تواند پاسخ مطلوبی بیابد. از این‌روست که باید تحلیل کرد که آیا ظنون آموزه‌ای، در تحقق اهداف دین، ساخت انسان مطلوب و تحول نگرشی او، زمینه را آماده می‌سازند یا خیر. این سؤال در حوزه‌ی یقین نیز طرح می‌شود: آیا صرف یقین و علم، همسو با دین‌داری است و یقین‌داشتن، به معنای دین‌داری تام است؟ در زمینه‌داشت دینی، صرف داشتن معرفت یقینی و باورهای ظنی، ملاک توفیق و سعادت‌مندی نیست؛ زیرا شیطان نیز معرفت یقینی دارد. در حوزه‌ی دین‌ورزی، شناخت آموزه‌های دینی غایت نهایی نیست که برآیند این شناخت، دین‌داری باشد، بلکه تمامی شناخت‌های یقینی، ظنی و حتی قدسی و لدنی، زمینه‌ی ساخت انسان مطلوب دینی است. یقین به آموزه‌های دینی، یگانه عامل سعادت‌بخش آدمی نیز نیست؛ زیرا اگر یقین با تحجرگرایی همراه باشد، آسیب‌های فراوان به دنبال خواهد داشت. تحول در زیستن و اخذ رویکرد نگرش‌سازی مدنظر است که در آن، آدمی در درون خود، دگرذیسی عمیقی به وجود بیاورد و عالمی جدید برای خود بسازد و زندگی خویش را معنایی ژرف ببخشد. از این‌رو مشاهده می‌کنیم که رویکرد آیات قرآنی صرفاً ارائه‌ی مواضع یقینی، یعنی استدلال‌آوری صرف نیست. بدین‌سان می‌توان حجیت ظنون در آموزه‌های دینی را گونه‌ای روش عقلایی و حتی در معنایی توسعه‌یافته، گونه‌ای روش عقلانی در نظر گرفت؛ زیرا عقلانیت یک رویکرد، صرف استدلال‌آوری یقین‌مدارانه بر تمامی مسائل و پدیده‌های ریز و درشت یک سامانه‌ی معرفتی نیست؛ بلکه در رویکرد عقلانی است که باورهای بنیادین، با روشی عقلی و یقین‌آور پذیرفته می‌شوند، اما شواهد و نشانگان دیگری که ایمان به آن باورها را تقویت می‌کنند، با رویکرد ظنی مقبولیت می‌یابند. عقلانیت یک سیستم معرفتی اقتضا دارد که برای تحقق اهداف آن، ابزارهایی تعریف کند که زمینه را آماده سازند. اگر ابزار یک سیستم دینی، صرف یقین باشد، سوگمندان باید گفت که این ابزار، هرچند متعالی و ارزشمند است، اما عمومیت و جنبه‌ی همگانی ندارد. یقین و ظن هر دو ابزار شناختی‌اند و باید دید تا چه اندازه‌ای در خدمت سیستم معرفتی دین‌اند. اگر ظن، در حوزه‌ی رفتار دینی اثربخشی داشته باشد، در سیستم معرفتی دین اعتبار عقلانی خواهد داشت؛ بنابراین به‌کارگیری ظن در نظام معرفتی دین که ازسویی تقویت‌کننده‌ی ایمان به باورداشت‌های بنیادین است و ازدگرسو، التزام اخلاقی را ارتقا می‌بخشد، خود، فرایندی عقلانی است و به‌لحاظ نگرش سیستماتیک، اعتبار آن عقلانی است.



## ۵. دو نمونه از کاربرست اعتبار معرفتی ظن در اندیشه‌ی رازی

### ۵.۱. مواجهه‌ی فخر رازی با اعتبار یقین و ظن، در باورداشت به وجود خداوند

رازی نمونه‌ی کاربرست ظن و وجه تکثری آن در فرایند یقین‌آوری را در دلایل پذیرش وجود خداوند طراحی می‌کند. رازی در آثار خود، از دلایل اثبات وجود خدا، گونه‌شناسی ارائه داده است. مراجعه به آثار وی به‌ویژه جلد نخست *المطالب العالیه* که مفصل‌ترین کتاب کلامی - فلسفی اوست، گویای تصویرسازی گونه‌های مختلف دلایل اثبات خداست. در اندیشه‌ی رازی، دلایل اثبات خدا به دو دسته‌ی ۱. دلایل یقینی و ۲. دلایل اقلناعی تقسیم می‌شود. استدلال عقلی مبتنی بر راهکارهای امکان ذات، حدوث ذات، امکان صفات و حدوث صفات، با تمام گستره‌اش، در بخش دلایل یقینی آمده است (۱۳، ج ۱، ص: ۷۱) <sup>۱۷</sup>. در بخش دلایل اقلناعی، استدلال‌های فردانشی-یقینی می‌گنجد. فخر در قسم دوم، از سه حوزه یاد کرده است: علوم تاریخی و معرفت و شناخت احوال پیشینیان؛ علوم متعلق به اصحاب ریاضیات و ارباب مکاشفات؛ و علوم ناظر بر عالم یا علوم دنیوی (همان، صص: ۲۴۹ - ۲۷۸). وی از هر دسته‌ای، به امور مختلفی اشاره می‌کند و آن‌ها را تبیین می‌کند؛ برخی از آن‌ها عبارت‌اند از: گونه‌شناسی جوامع گذشتگان و تکثر باورمندان به خدا؛ پیامدشناسی قائل شدن به خدا؛ مسئله‌ی گواهی؛ نسبت‌سنجی؛ گرفتاری‌ها و بحران‌های خداناباوری؛ دریافت‌های تجربی معتقدان به خدا؛ صفای دل؛ دعا؛ احتمال؛ و... (همان؛ و نیز ر.ک: ۲۹، صص: ۵۷-۶۰). کلیه‌ی امور اخیر، ظن در وجه تکثری آن ایجاد می‌کنند؛ به دیگر بیان، رازی هر یک از آن‌ها که فرآورده‌ی ظن را به دنبال دارد، دلیل اقلناعی نام می‌نهد؛ «الدلیل الاقلناعی الواحد قد یفید الظن» (۱۳، ج ۱، ص: ۲۳۹) و وقتی تراکم آن‌ها روبه‌فزونی می‌گذارد، انسان صاحب ظنون مختلف می‌شود و این وجه تکثری ظن، موجب افاده‌ی یقین می‌شود: «فإذا انضم إليه دلیل ثان، قوی الظن؛ کَلَمَّا سَمِعَ دَلِيلًا آخَرَ أَزَادَ الظَّنَّ قُوَّةً وَ قَدِ يَنْتَهِي بِالْآخِرِ إِلَى حُصُولِ الْجَزْمِ وَ الْيَقِينِ» (همان) <sup>۱۸</sup>.

### ۵.۲. کاربرست ظن در دواعی بر فعل

تأکید بر سه‌گانه‌ی علم، اعتقاد و ظن در تقسیم‌بندی تفصیلی رازی اهمیت فراوانی دارد؛ بر پایه‌ی مواضع دیگری که در آثار رازی وجود دارد، فخر از این سه اصطلاح استفاده می‌کند. رازی در *المطالب العالیه*، از سه مقام علم، اعتقاد و ظن در ارتباط با دواعی فعل و نحوه‌ی مناسبات آن‌ها سخن می‌گوید (۱۳، ج ۳، ص: ۱۳؛ نیز ر.ک: ۱۲، ص: ۱۳۲). این بهره‌مندی در ارتباط با دواعی، در تمامی مواضعی که فخر آن را تحلیل کرده است، مشاهده می‌شود. رازی در آثار خود، به‌صورت گسترده، کارکرد ظن در دواعی افعال انسان را تحلیل می‌کند. تحقق فعل بدون داعی محال است. بر پایه‌ی تحلیل رازی، فاعل عامل، در اراده‌ی بر تحقق

فعل، در خصوص اینکه تحقق آن فعل، بر تحقق نیافتنش اولی است، پیش‌انگاره‌های معرفتی علم، یا ظن یا اعتقاد را دارد (۹، ج ۱، ص: ۱۸۸). رازی در تفسیر داعی می‌گوید: انسان هرگاه علم یا ظن یا اعتقاد پیدا کرد که در فعل خاص، مصلحت راجحی وجود دارد، هنگام حصول یکی از این سه، در درونش، میل جازم بر فعل حاصل می‌شود و اگر اعضای او سالم باشد، از او فعل صادر می‌شود. این فرایند در عدم تحقق فعل نیز رخ می‌دهد (۱۳، ج ۳، ص: ۹؛ ۷، ج ۴، ص: ۷؛ و ج ۱۳، ص: ۱۳۷). بنابراین فخر از داعی تفسیر معرفتی دارد و علم و ظن و اعتقاد را دواعی فعل قلمداد می‌کند و مطابق با گفته‌ی او، این داعی در نزد حکما علت غایی نامیده می‌شود (همان، ص: ۱۰). رازی بر همین پیش‌انگاره‌های معرفتی، از حیث اثربخشی تأکید دارد و عوامل دیگر را به این مؤلفه‌های معرفتی ارجاع می‌دهد. وی در بحثی، به تحلیل جایگاه ظن و اعتقاد پرداخته است و آن را در داعی بر فعل، از جایگزین‌های علم دانسته است (۱۳، ج ۳، ص: ۱۴). رازی از آن نظر به سنجش میزان اثربخشی این سه (علم و ظن و اعتقاد) پرداخته است، که دواعی بر فعل‌اند و در صورت‌بندی‌های جداگانه، به سنجش علم و اعتقاد، علم و ظن، و اعتقاد و ظن پرداخته است. در وجه نخست، با تفکیک اعتقاد جازم از اعتقاد تزلزلی، معتقد شده است در صورتی که اعتقاد جازم باشد، میان داعی بر فعل و علم تفاوتی نیست. در صورت دوم، در داعی بر فعل، ظن همراه با نشانگان جایگزین علم می‌شود؛ هرچند داعی علمی اثربخش‌تر از داعی همراه با نشانگان ظنی است، اما باید توجه داشت که ظن مراتب قوت و ضعف مختلفی دارد و در این صورت، در داعی بر فعل نیز مراتب تأثیر مختلفی دارد (همان، ص: ۱۶). همچنین گاه در خصوص اعتقادی واحد، ظن مؤید به آثار، در داعی بر فعل، اثربخش‌تر است (همان). رازی عوامل مؤثر بر داعی بر فعل یا صارف از فعل را همان علم، ظن و اعتقاد معرفی می‌کند و از جمله اندیشمندانی است که در این ساحت، بر تأثیر پیش‌انگاره‌های معرفتی بر فعل تأکید دارد. وی عواملی مانند منفعت و مصلحت، وعده و وعید خداوند، شک، دیدن و شنیدن و حتی اراده را از داعیان بر فعل نمی‌شمارد و فقط به تأثیر معرفتی قائل است و یکایک آن‌ها را به ساحت معرفتی می‌کشد (همان، صص: ۱۷-۲۰). داعی همان آگاهی (علم، ظن، اعتقاد) از این است که فعل، بر نفع زاید یا مصلحت مشتمل است (همان، صص: ۲۱، ۲۴، ۳۵؛ ۸، ص: ۳۶۰؛ ۷، ج ۳، ص: ۴۶۲؛ و ج ۱۳، ص: ۱۱۱). همین تحلیل در خصوص بسیاری از حالات نفسانی نیز صدق می‌کند؛ مثلاً رازی می‌نویسد سرور حالتی نفسانی است و هنگامی بر انسان عارض می‌شود که به حصول شیء لذیذ یا امر نافع، اعتقاد یا ظن یا علم حاصل شده باشد (۷، ج ۳، ص: ۵۴۸). یا خوف را حالتی نفسانی می‌داند که از ظن ویژه‌ای برآمده باشد (همان، ج ۵، ص: ۲۳۷)؛ ظنی که از پیشامد حادثه‌ای ناگوار

در آینده خبر می‌دهد (همان، ج ۱۰، ص: ۷۱). تمنا نیز با محور علم و ظن تحلیل می‌شود: «التمنی عندنا عبارة عن ارادة ما يعلم أو يظن أنه لا يكون» (همان، ص: ۶۴).

## ۶. نتیجه‌گیری

رازی در تقسیم‌بندی احکام ذهن (تصدیقات)، از ظن، به اعتقاد راجحی تعبیر می‌کند که احتمال خلاف آن وجود دارد. در اندیشه‌ی رازی، ظن حالت اشتدادی - تضعفی دارد. در این جستار، گذشته از معناشناسی ظن در اندیشه‌ی رازی، تلاش کرده‌ایم نشان دهیم تصویرسازی او از اعتبار معرفتی ظنون [انگاره‌داشت‌ها]، فراتر از اعتبار و حجیت عملی آن‌هاست که بیشتر در علم اصول از آن بحث می‌شود. در این اعتبارسنجی، به صورت‌بندی و شناسایی شش وجه اعتبار ظن در اندیشه‌ی رازی دست یافتیم. وجوه مهم عبارت‌اند از: وجه تکثری ظنون و جایگاه آن در فرایند تولید یقین و واقع‌نمایی. در وجه تکثری، بر پایه‌ی تحلیل رازی، دلیل اقناعی، محصول ظن را به دنبال دارد و در تولید یقین، کثرت ظنون مختلف نقش دارد و مراد از این یقین نیز یقین منطقی است. در واقع‌نمایی نیز از آنجایی که اعتبار معرفتی گزاره‌ها و شناخت‌های یقینی، با واقع‌نمایی و مطابقت گره خورده است، تلاش در نشان دادن واقع‌نمایی شناخت‌های ظنی، راه‌حلی است که به اعتبار آن‌ها خواهد انجامید. شناخت‌های ظنی از واقعیت حکایت می‌کنند و وجه واقع‌نمایی دارند، اما رازی حکایتگری و انکشاف مطابقی این دست از شناخت‌ها را در فرایندی قرار می‌دهد که منجر می‌شود انسان به یقین برسد و به هر میزان که آگاهی‌های ظنی وجه تکثری فزون‌تری پیدا می‌کنند، بیشتر بر واقع‌نمایی آن‌ها افزوده می‌شود. رازی از ارتباط محکی ادعایی شناخت‌های ظنی، با محکی واقعی محصول فرایند (واقع) سخن می‌گوید و برای توصیف این ارتباط که خود منشأ واقع‌نمایی خواهد بود، از افاده‌گری مطابقت، در برابر احراز مطابقت سخن می‌گوید؛ هرچند این واقع‌نمایی تام نباشد. می‌توان این واقع‌نمایی را که از دل این ارتباط و افاده‌کنندگی حاصل می‌شود، انکشاف مطابقی وجهی یا غیرتام نام نهاد.

## یادداشت‌ها

۱. معرفت در میان اندیشمندان مسلمان معانی مختلفی دارد (ر.ک: ۲۸، صص: ۵۴-۶۳) که از این میان، معرفت یقینی با سه‌گانه‌ی جزم، مطابقت، ثبات (باور صادق موجه) شناسایی شده است (از جمله ر.ک: ۲۳، ج ۱، ص: ۱۳؛ و ۲۵، ص: ۵۲). در غرب، چیستی معرفت، با تأثیرپذیری از پیشنهادی افلاطون، عمدتاً تا پیش از نیمه‌ی قرن ۲۰، به باور صادق موجه صورت‌بندی شده است (ر.ک: ۴، ص: ۲۰۹؛ ۲۷، صص: ۷۲-۱۵۵).

۲. فراتر از این‌ها، رازی به معرفت لدنی نیز اشاره می‌کند که برآیند تجلی آگاهی از عالم ربوبیت الهی در قلب انسان است: بل العلوم تتجلی فی قلبه من عالم أنوار الربوبیة (۸، ص: ۶۷). از این‌رو بالاترین یقین، معرفت لدنی و قدسی است و از یقین به معنای اصطلاحی آن، متفاوت است.

۳. مثلاً ر.ک: (۲۴ و ۱۹).

۴. تفصیل بحث را بنگرید: (۳۳).

۵. هرچند که می‌شود در برابر این موضع در قبال آیه‌ی شریفه، رویکرد انتقادی داشت و بیان کرد که ظن در آیه‌ی مذکور، معنای متداول آن است، نه علم و یقین و نیز آیه، وصف حال کنونی خاشعان است و نه متعلق آخرت؛ زیرا آیه درباره‌ی خاشعان سخن می‌گوید و خشوع حالتی است که مانع از خودخواهی همه‌جانبه‌ی انسان می‌شود؛ در این حالت، انسان خاشع از زیست اخلاقی و باورداشت‌های راستین خود این نتیجه‌ی منطقی یقینی (علم) را نمی‌گیرد که پروردگارش را ضرورتاً، قطعاً، در آخرت ملاقات خواهد کرد؛ چراکه این انگاره، دیگر خشوع نیست و گونه‌ای خودخواهی متکبرانه است. ظن به‌کاررفته در این آیه، اتفاقاً گویای وصف حال درونی خاشعان راستین است. انسان خاشع با داشتن دو حالت امید و بیم، چیزی برای خود نمی‌خواهد و رضایت الهی هدف بنیادین اوست و حق تعالی است که بر او اعطا می‌کند؛ به‌همین سبب، رازی در تفسیر مفاتیح الغیب، برای ظن استفاده‌شده در آیه، دو تفسیر بیان می‌کند: ظن در معنای علم؛ و ظن در معنای حقیقی خود، و در حالت دوم، وجوه مختلفی را گزارش می‌کند که در یکی از آن وجوه، به مسئله‌ی خشوع اشاره می‌کند (۷، ج ۳، ص: ۴۹۱). رازی این اظهار ظن در خصوص حالات درونی را که حاصل خشوع است، در جایگاهی دیگر، در سخن انبیا گزارش می‌کند (همان، ج ۱۲، ص: ۴۵۷).

۶. درباره‌ی ماهیت اطمینان، دیدگاه‌های مختلفی مطرح شده است: اطمینان مرتبه‌ای پایین‌تر از علم عرفی و در برابر جهالت عرفی؛ علم‌انگاری اطمینان؛ علم‌بودن اطمینان در زمینه‌ی عرفی؛ علم شرعی‌انگاری اطمینان؛ وصف ظن‌بودن اطمینان؛ ظن‌انگاری اطمینان؛ حالت مستقل ذهنی و... برای این بحث رک: (۲).

۷. در مقاله‌ی اعتبار ظن در اعتقادات، ده دلیل از دلایل حجیت‌نداشتن ظنون اعتقادی گزارش و نقد شده است و مواضعی نیز در اعتبار ظن تبیین شده است (۳).

۸. در دانش اصول فقه، مباحث مفصلی درباره‌ی اعتبارداشتن یا نداشتن ظنون و اطمینان مطرح شده است. سیره‌ی عقلایی، ضرورت نظام معیشتی فردی و اجتماعی، سکونت نفس، قیاس اولویت، آیه‌ی نبأ، انتخاب اخف و اسهل، از وجوه معروف حجیت ظن و اطمینان میان اصولیان محسوب می‌شود. در این رویکرد، بر ارزش عملی ظن و اطمینان تأکید می‌شود.

## 9. Testimony.

۱۰. مثلاً ریموند مودی در کتاب *زندگی پس از زندگی* (Life After Life)، گزارش‌های مختلفی از تجارب نزدیک به مرگ یا تجارب خارج از بدن (Out of the body experience) را آورده است.

۱۱. ﴿ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ﴾ (نحل: ۱۲۵).

۱۲. مثلاً می‌توان از اعتبار ظنون و حتی کفایت ظنون در کاربردهای عملی و نظام معیشتی یاد کرد (ر.ک: ۱۳، ج ۳، ص: ۱۱۳؛ ۷، ج ۱۵، ص: ۴۷۱).

۱۳. منظور از باورهای بنیادین، باورهای مربوط به اصل زندگی و بودن انسان‌هاست؛ باورهایی که در زندگی آدمیان مؤثرند؛ مثلاً باور به وجود خداوند، زندگی پس از مرگ، مسئله‌ی فطرت، ارزشمندی احکام اخلاقی و زیست اخلاقی و... باور بنیادین است. این باورها به‌گونه‌ای هستند که مواجهه‌ی هر انسانی با آن‌ها، شاکله‌ی زندگی او را سامان می‌دهد.

14. Persuasion.

۱۵. ر.ک: (۱).
۱۶. علامه‌ی طباطبایی معتقد است ظن و اطمینان ارزش عملی دارند و بر تأثیر آن‌ها در نظام معیشتی تأکید می‌کند.
۱۷. و نیز ر.ک: (۱۴)، ص: ۳۸؛ ۶، ص: ۵۲؛ ۵، ص: ۲۳۹؛ و ۱۶، ص: ۱۱۴).
۱۸. در مقاله‌ی «تبیین کارکردی تکرر دلایل اثبات خدا: فخر رازی و سویین‌برن» وجه تکرری ظنون رازی، با وجه انباشتی سویین‌برن در پذیرش وجود خدا، مقایسه شده است (۲۹).

منابع

۱. الیاسی، محمدحسین، (۱۳۸۸)، «مبانی نظری و عملی اقناع و مجاب‌سازی»، فصلنامه مطالعات بسیج، سال ۱۲، شماره ۴۵، زمستان، صص: ۷۱-۴۱.
۲. امینی، علیرضا و داداشی، محمدرضا، (۱۳۹۲)، «مفهوم و ماهیت اطمینان در علم اصول»، مجله مطالعات فقه و حقوق اسلامی، سال ۵، شماره ۸، بهار و تابستان، صص: ۷-۳۴.
۳. برنجکار، رضا و نصرتیان، مهدی، (۱۳۹۳)، «اعتبار ظن در اعتقادات»، فصلنامه اندیشه نوین دینی، سال ۱۰، شماره ۳۹، صص: ۸۲-۶۷.
۴. پویمن، لوبیز، (۱۳۸۷)، معرفت‌شناسی، ترجمه رضا محمدزاده، تهران: دانشگاه امام صادق.
۵. رازی، فخرالدین، (بی‌تا)، الهیات الملخص، نسخه‌ی خطی کتابخانه مجلس شورای اسلامی، شماره ثبت ۳۹۲۱.
۶. \_\_\_\_\_، (۱۳۴۱)، البراهین در علم کلام، تصحیح سید محمدباقر سبزواری، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۷. \_\_\_\_\_، (۱۴۲۰ق)، تفسیر مفاتیح الغیب، چاپ سوم، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۸. \_\_\_\_\_، (۱۴۰۶ق)، شرح اسما الله الحسنی (لوامع البینات)، قاهره: مکتبه الکلیات الازهریه.
۹. \_\_\_\_\_، (۱۴۰۴ق)، شرحی الاشارات و التنبيهات، قم: مکتبه آیه‌الله مرعشی.
۱۰. \_\_\_\_\_، (۱۴۱۴ق)، القضاء و القدر، تحقیق محمد معتصم، چاپ دوم، بیروت: دار الکتب العربی.
۱۱. \_\_\_\_\_، (۱۴۱۱ق)، المباحث المشرقیه، چاپ دوم، قم: انتشارات بیدار.
۱۲. \_\_\_\_\_، (۱۴۱۱ق/ب)، المحصل، مقدمه و تحقیق دکتر اتای، عمان: دار الرازی.
۱۳. \_\_\_\_\_، (۱۴۰۷ق)، المطالب العالیه من العلم الالهی، تصحیح حجازی سقا، بیروت: دارالکتب العربی.
۱۴. \_\_\_\_\_، (بی‌تا)، معالم اصول الدین، تحقیق عبدالرؤف سعد، مکتبه الکلیات الازهریه.
۱۵. \_\_\_\_\_، (۱۳۸۱)، منطق الملخص، تصحیح احد فرامرز قراملکی و آدینه اصغری‌نژاد، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق.
۱۶. \_\_\_\_\_، (بی‌تا)، نهاییه العقول، نسخه‌ی خطی کتابخانه مجلس شورای اسلامی، شماره

۱۷. راغب اصفهانی، (۱۴۳۰ق)، *مفردات الفاظ القرآن*، تحقیق صفوان عدنان داوودی، ج ۴، دارالعلم.
۱۸. ساروخانی، باقر، (۱۳۸۳)، «قناع؛ غایت ارتباطات»، *مجله نامه علوم اجتماعی*، شماره ۲۳، خرداد، صص: ۹۳-۱۱۵.
۱۹. شاکر، محمدکاظم، (۱۳۸۶)، «پژوهشی در معنای ظن و جایگاه معرفتی و اخلاقی آن در قرآن»، *مجله مقالات و بررسی‌ها، تابستان*، دفتر ۸۴، صص: ۱۰۷-۱۲۵.
۲۰. شمس، منصور، (۱۳۸۷)، *آشنایی با معرفت‌شناسی*، چاپ دوم، تهران: انتشارات طرح نو.
۲۱. صدوق، محمد، (۱۳۹۸ق)، *توحید*، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
۲۲. طباطبایی، محمد حسین، (۱۴۱۷)، *تفسیر المیزان*، چاپ پنجم، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۲۳. طوسی، نصیرالدین، (۱۳۷۵)، *شرح اشارات و تنبیهاات ابن سینا*، قم: نشر البلاغ.
۲۴. علیشاهی، ابوالفضل و همکاران، (۱۳۹۵)، «میانی حجیت ظن متأخم به علم و سازوکارهای تشخیص آن»، *فصلنامه جستارهای فقهی و اصولی*، سال ۲، شماره ۵، صص: ۹۱-۱۱۸.
۲۵. فارابی، ابونصر، (۱۴۰۵)، *فصوص منتزعه*، تحقیق فوزی نجار، چاپ دوم، انتشارات الزهرا.
۲۶. \_\_\_\_\_، (۱۴۰۸)، *المنطقیات*، تحقیق محمدتقی دانش‌پژوه، قم: انتشارات کتابخانه آیه‌الله مرعشی نجفی.
۲۷. فعالی، محمدتقی، (۱۳۷۹)، *درآمدی بر معرفت‌شناسی دینی و معاصر*، چاپ دوم، قم: انتشارات معارف قم.
۲۸. فیاضی، غلامرضا، (۱۳۸۷)، *درآمدی بر معرفت‌شناسی*، چاپ دوم، قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
۲۹. قربانی، هاشم و ابوالحسنی نیارکی، فرشته، (۱۳۹۴)، «تبیین کارکردی تکرر دلایل اثبات خدا: فخر رازی و سویین‌برن»، *فصلنامه پژوهش‌های اعتقادی - کلامی*، سال ۵، شماره ۱۷، بهار، صص: ۵۱-۷۶.
۳۰. قرشی، سید علی‌اکبر، (۱۴۱۲)، *قاموس قرآن*، تهران: دارالکتب الاسلامی.
۳۱. ملاصدرا، (۱۳۶۳)، *مفاتیح الغیب*، تصحیح محمد خواجه‌ای، تهران: مؤسسه تحقیقات فرهنگی.
۳۲. محمدزاده، حسین، (۱۳۸۶)، *کاوشی در ژرفای معرفت‌شناسی: منابع معرفت*، قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
۳۳. محمدی، عبدالله، (۱۳۹۳)، «ارزش معرفت‌شناختی اطمینان»، *مجله معرفت فلسفی*، سال ۱۱، شمار ۳، بهار، ۳۵-۵۸.
۳۴. مصطفوی، حسن، (۱۳۶۸)، *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.